

واکاوای ویژگی‌های معماری انعطاف‌پذیر سکونت عشایر استان خراسان رضوی

پدرام حصاری* - استادیار، گروه مهندسی معماری، دانشگاه آیت الله بروجردی، لرستان، ایران.
سمیرا حافظی - گروه مهندسی عمران و معماری، دانشگاه تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۵ تیر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۴ مهر ۱۴۰۲

چکیده

مقدمه: معیشت عشایر مبتنی بر دامداری است و لذا شیوه سکونت آنها نیز به این موضوع بستگی دارد. این شیوه زندگی که از قدیمی‌ترین انواع زندگی بشری است، مبتنی بر کوچ و جابجایی سالانه است؛ به این ترتیب که عشایر به منظور تعلیف دام‌های خویش، مجبور به تغییر مکان و یافتن چراگاه‌های مناسب برای آنها هستند. در این شیوه زندگی، طبیعت به عنوان بستر اصلی حیات آنها شناخته می‌شود و سازگاری با آن، مهم‌ترین اصل در این شیوه به شمار می‌رود.

هدف پژوهش: بررسی و شناخت مؤلفه‌های شکل‌گیری سکونت عشایر استان خراسان رضوی می‌باشد.

روش‌شناسی تحقیق: پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی ژرفانگر می‌باشد. به منظور گردآوری اطلاعات از دو روش اسنادی شامل مطالعه کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها... و پیمایشی شامل بازدید میدانی، مصاحبه و پرسشنامه استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو در این پژوهش محدوده استان خراسان رضوی می‌باشد.

یافته‌ها و بحث: عشایر خراسان رضوی به طور کلی به صورت کوچ‌رو می‌باشند ولی طبق بررسی‌های به عمل آمده در سال‌های اخیر بخشی از عشایر این استان به دلیل کمبود امکانات و خدمات مناسب از جمله مسکن مناسب در شهرک‌های اطراف مشهد و تعدادی از روستاهای مشهد ساکن شده‌اند. در این پژوهش با بررسی جمعیت ایلات و طوایف عشایر خراسان رضوی، نوع سکونت عشایر خراسان رضوی در بیلاق و قشلاق و مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری مسکن ایشان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

نتایج: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که استفاده و تلفیق اصول حاکم بر زندگی کوچ‌نشینان خراسان رضوی با تکنولوژی و فناوری‌های روز می‌تواند گامی در جهت غنای طراحی و اجرای مسکن انعطاف‌پذیر برای عشایر باشد.

کلیدواژه‌ها: عشایر، زندگی عشایری، عشایر خراسان رضوی، دامداری.

مقدمه

معیشت عشایر مبتنی بر دامداری است و لذا شیوه سکونت آنها نیز به این موضوع بستگی دارد. این شیوه زندگی که از قدیمی‌ترین انواع زندگی بشری است، مبتنی بر کوچ و جابجایی سالانه است؛ به این ترتیب که عشایر به منظور تعلیف دام‌های خویش، مجبور به تغییر مکان و یافتن چراگاه‌های مناسب برای آنها هستند. در این شیوه زندگی، طبیعت به عنوان بستر اصلی حیات آنها شناخته می‌شود و سازگاری با آن، مهمترین اصل در این شیوه به شمار می‌رود.

این موضوع در الگوی سکونت آنها نیز نمود دارد؛ به این ترتیب که اجزای شکل‌دهنده مسکن عشایر که خود از عناصر طبیعی ساخته شده‌اند، با این شیوه زندگی در انطباق کامل قرار داشته و امکان جابجایی‌های فصلی را برای ساکنین آنها فراهم می‌آوردند. چنین سازگاری میان انسان، طبیعت و معماری در این شیوه خاص از زندگی، اگر چه خود مبتنی بر جابجایی و عدم ثبات مکانی است، اما به لحاظ کارکردی، دارای نوعی تعادل و پایداری است که متأثر از انسان و نیازهایش از یک سو و ویژگی‌های عناصر طبیعی و مصنوع سازنده محیط اطراف وی از سوی دیگر است. به این معنی که انسان عشایری، به واسطه وابستگی معیشتی‌اش به دام، ملزم به جابجایی به منظور تعلیف دام‌هایش است. بر همین اساس تمام اجزای زندگی وی از جمله مسکن و اجزای زندگی‌اش، می‌بایست از این الگوی زندگی تبعیت نمایند، بنابراین انعطاف‌پذیری مسکن عشایر و سازگاری آن با شرایط مختلف محیطی و زمین‌های، یکی از مهم‌ترین اصول در این شیوه سکونتی به شمار می‌رود. این اصل در سایر ابعاد زندگی آنها از جمله ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز تأثیرگذار است (برزگر، مهدی نژاد؛ حیدری، ۱۳۹۹: ۷۳).

عشایر به تبع همین نوع زندگی و ضرورت‌های زیستی، سکونتگاه‌هایی با مشخصات ویژه دارند که در هماهنگی کامل با شرایط حاکم بر زندگی آنان است. این چادرها که طی قرن‌ها به عنوان بهترین و مناسب‌ترین سرپناه‌های عشایر مطرح بوده‌اند به دلیل سهولت در برافراشتن، تهیه کردن و حمل و نقل کاملاً سازگار با این شیوه زندگی هستند. ایلات و عشایر بر مبنای دامداری و به منظور تأمین علوفه برای دام‌هایشان می‌بایست تغییر مکان دهند که این نکته علی‌رغم دارا بودن مشکلاتی در جابه‌جایی و کوچ، منجر به ساده‌تر شدن زندگی آنها و سکنی‌گزیدن در سکونتگاه‌های موقت می‌گردد (حساس، ۱۳۹۵: ص ۱۰۱).

تمام اجزای این زندگی افراد، قابلیت جمع و پهن کردن داشته و به راحتی قابل حمل و جابجایی هستند (دانایی نیا، ایل بیگی پور، ۱۳۹۶: ۶۹). این در حالی است که طی سال‌های اخیر بر اثر پدیده تغییر اقلیم، بروز خشکسالی‌های غیرطبیعی و روند افزایش تقاضا برای منابع ناشی از رشد جمعیت، عدم تناسب فرهنگ مصرف با شایستگی‌های تولیدی جامعه و اجرای طرح‌های توسعه کشور در سایر بخش‌ها، تخریب مراتع شدت یافته است (فیاض، ۱۳۹۹: ۷).

جامعه عشایری

منظور از جامعه عشایری در دانش مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، گروهی مردم هم‌خویشاوند است که با بهره‌گیری از دو شیوه معیشت "پرورش دام" و "کشاورزی" در سطحی محدود زندگی می‌کنند. این جامعه ممکن است اسکان یافته باشد یا کوچنده. منظور ما در اینجا جامعه‌ای است که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از نظمی برخوردار و از نظر سیاسی نیز سلسله مراتب قدرت در آن حاکم است (حصاری و حافظی، ۱۴۰۱: ص ۸۷).



تصویر ۱. عشایر در حال برپایی سیاه چادرها

معماری بومی عشایر

معماری بومی، گونه‌ای از دست‌ساخت‌های بشری است که بر اثر نسل‌ها تجربه شکل گرفته و در انطباق کامل با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و معیشتی جوامع قرار دارد. این نوع معماری تا حد زیادی تابع شرایط فرهنگی جوامع بود و با مطالعه آن می‌توان به باورها، ارزش‌ها، هنرها، آداب و رسوم و رفتارهای کاربران آن پی برد (عظمتی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۵).

ویژگی‌های مسکن عشایر

تمام خانه‌های انسانی به یک منظور به وجود نیامده و به همین جهت به یک نسبت دوام پیدا نمی‌کنند. بسیاری از خانه‌ها با تغییر نوع احتیاجات انسان، حرکت و تکامل خود را از دست داده و به تدریج از بین می‌رود. اما سیاه‌چادرهای عشایر، نوعی از قدیمی‌ترین خانه‌هاست که تا به امروز وجود داشته و دارند. شناخت معماری کوچ، به عنوان ظرف زندگی کوچ‌نشینان، بدون بررسی حقیقت این زندگی امکان‌پذیر نیست. بنابراین به منظور شناخت معماری کوچ در عشایر، در مرحله اول باید به شناخت شیوه زندگی آنها پرداخته شود. زندگی کوچ‌نشینی از شیوه خاصی از معاش انسان ناشی می‌شود که بر پرورش دام مبتنی است. این نوع زندگی مستلزم جابه‌جایی انسان در فصولی از سال در جستجوی مراتع طبیعی برای تأمین غذای دام است. پس مهمترین ویژگی زندگی کوچ‌نشینان، حرکت و جابه‌جایی برای تأمین نیازمندی‌های زندگی است. این سیاه‌خانه‌ها در طی دوران‌هایی به تکامل و قوام رسیده‌اند و از آن پس به عنوان خانه ایده آل برای زندگی کوچ‌نشینی مورد استفاده قرار می‌گیرند. سیاه‌چادرها تعامل بشر با محیط پیرامونش را نشان می‌دهند. ایلات ایران سالیانه بین دو محدوده سردسیر و گرمسیر در حرکتند، در نتیجه خانه‌ای را انتخاب می‌کنند که موقت بوده و تمامی احتیاجات آنها را بر آورده کند از جمله امنیت، آسایش در برابر عوامل محیطی و جوی، رفع نیازهای اجتماعی و بهداشتی، ... و همچنین مشکلی از نظر حمل و جابجایی آن نداشته باشند. سیاه‌خانه تمامی این فضاها را دارد و همانند یک خانه در خود جای می‌دهد با وجود فضای کم، تمامی کارکردهای خانه در آن تعریف شده است (حساس، ۱۳۹۵: ۲).

مسکن انعطاف‌پذیر

انعطاف‌پذیری در اصطلاح عام، قابلیت خم شدن، تغییر پذیری، حساس نبودن به اصلاح یا تغییر، آمادگی و ظرفیت داشتن برای سازگاری به مقاصد یا شرایط مختلف و آزادی از خشکی یا سفتی تعریف می‌گردد. مفهوم انعطاف‌پذیری به عنوان قابلیت ساختمان برای تغییر فیزیکی و تطابق با توجه به تغییر شرایط تعریف شده است. تعریف مسکن انعطاف‌پذیر با عنوان مسکنی برای کاربر، که پایداری اجتماعی-اقتصادی را از طریق افزایش طول عمر ساختمان فراهم می‌کند، مطرح شده است. واحد مسکونی انعطاف‌پذیر به ساکنان این امکان را می‌دهد که خانه خود را متناسب با فرهنگ، شیوه زندگی، الگوهای رفتاری، نیازهای فضایی و ... خود ساماندهی کنند در این صورت الگو و طرح خاصی از نیازها وجود ندارد، بلکه طرحی جامع و فرامحوری در تمام زمینه‌ها دیده می‌شود (اقبال، حصاری، ۱۳۹۱: ص ۵۵).

در فضای مسکن گونه‌هایی از انعطاف‌پذیری قابل تعریف و تحلیل است که شامل تنوع‌پذیری، تطبیق‌پذیری و تغییرپذیری باشند.

جدول ۱. تعریف ابعاد انعطاف‌پذیری در مسکن

تغییرپذیری	تطبیق‌پذیری	تنوع‌پذیری
قابلیت تفکیک یا تجمیع فضاها	قابلیت هماهنگ شدن فضا با شرایط جدید	قابلیت فراهم آوردن استفاده مختلف از فضا

منبع: بزرگر، مهدی نژاد، حیدری، ۱۳۹۹: ۷۶

تحلیل ابعاد ساختاری، عملکردی و کالبدی سکونتگاه عشایری

ساختار مسکن عشایر متشکل از چادرهایی است که سازه آن قابلیت جمع کردن و برپایی مجدد را دارد و از دست‌ساخته‌های عشایر می‌باشد. مسکنی که برگرفته از نحوه زندگی آنان و محیط پیرامون خود می‌باشد. ابعاد ساختاری مسکن عشایر در نحوه برپا ساختن چادرها می‌توان مشاهده نمود این خانواده‌ها چادرهای خود را به گونه‌ای برپا می‌کنند که از هر سو به پیرامون خود مسلط باشند علت این امر آن است که در مواقع خطر از وضعیت یکدیگر مطلع باشد تا هنگام بروز حوادث بتوانند به یاری هم بشتابند و این ساختار در راستای حفظ حریمیت در کنار

تحکیم روابط خویشاوندی و حفظ فرهنگ اینگونه زندگی می‌باشد. ساختار مسکن عشایر قابلیت تغییر در ابعاد چادرها را بر اساس تعداد افراد خانواده و همچنین قابلیت تغییر در ساختار فرم چادر در بیلاق و قشلاق را دارد که در تحلیل‌های انجام شده این تغییر ساختار منطبق بر شرایط اقلیمی می‌باشد. اینگونه مسکن محرمیت را در داخل و خارج از فضای سکونت با در نظرگیری سلسله مراتب حضور انسان در نظر می‌گیرد. بدین صورت که چادر مطبخ به عنوان فضایی زنانه برای حفظ محرمیت عقب‌تر از چادر اصلی خانوار می‌باشد. در بعد عملکرد مسکن عشایر همانطور که اشاره شد جهت برپایی سیاه چادر در بیلاق و قشلاق متفاوت است این تغییر در برپایی چادر عامل ایجاد فضاهای چند عملکردی و سازگاری آنها با شرایط اقلیمی را میسر می‌سازد (برزگر، مهدی نژاد؛ حیدری، ۱۳۹۹: ۷۸).

انعطاف‌پذیری مسکن عشایر

ساختار مسکن عشایر متشکل از چادرهایی است که سازه آن قابلیت جمع کردن و برپایی مجدد دارد و از دست ساخته‌های عشایر می‌باشد. این ساختار قابلیت تغییر در ابعاد چادرها براساس تعداد افراد خانواده و همچنین قابلیت تغییر در ساختار فرم چادر در بیلاق و قشلاق را داراست که در تحلیل‌های انجام شده این تغییر ساختار منطبق بر شرایط اقلیمی می‌باشد. این گونه مسکن محرمیت را در داخل و خارج از فضای سکونت با در نظرگیری سلسله مراتب حضور انسان در نظر می‌گیرد. همچنین در بعد عملکرد مسکن عشایر همانطور که اشاره شد جهت برپایی سیاه چادر در بیلاق و قشلاق متفاوت است این تغییر در برپایی چادر عامل ایجاد فضاهای چندعملکردی و سازگاری آنها با شرایط اقلیمی را میسر می‌سازد (حصاری، حافظی، ۱۴۰۱: ۹۱).

سیاه چادر

ویژگی مشترک مسکن عشایر در بین تمام اقوام استفاده از مو یا پشم بز در تهیه تمام یا بخشی از مصالح ساخت چادر به دلیل ویژگی‌های ذاتی این ماده می‌باشد. از جمله این ویژگی‌ها خواص فیزیولوژیکی موی بز است که بر خلاف بقیه مواد، در گرما منقبض و در سرما منبسط می‌شود و این به کاربرد ممتاز آن در سیاه چادر کمک کرده تا در تابستان منافذ سیاه چادر باز شده و هوای سیاه چادر خنک شود و در زمستان منافذ آن بسته شده تا از ورود سرما و باران جلوگیری کند (ضرغامی، ۱۳۹۵، ص: ۲۱).



تصویر ۲. نمایی از سیاه چادر

ترینسو و همکاران ایشان در سال ۲۰۲۳ در مقاله‌ای تحت عنوان مفهوم سازی مجدد معماری عشایری: از بدن تا فضا سازی، به بررسی سبک زندگی عشایری که به پدیده جنبش‌های محلی و جهانی در سراسر جهان تبدیل شده است، پرداخته است. این مقاله با استفاده از روش‌های تاریخی و کتابشناختی به بررسی معنای معماری عشایری می‌پردازد. و نتایج آن درک بهتری از معماری عشایری ارائه می‌دهد و ایده معماری عشایری آینده را با توجه به دوره تاریخ باز مفهوم می‌کند. (۱) شکارچی-گردآورنده؛ (۲) دامداری عشایری؛ (۳) Dom؛ (۴) انجمن نو عشایری؛ (۵) کوچ معاصر. در نتیجه، این رویکرد منعکس‌کننده یک ارتباط قوی بین بدن انسان، فعالیت و ایجاد معماری عشایری است. یافته‌های تحقیق، دگرگونی فضای سکونت عشایر که دلالت بر ترکیب فناوری و مواد جدید به سمت ادغام با توسعه شهر آینده است اشاره دارد.

ژاهو در سال ۲۰۲۳ در رساله خود تحت عنوان طراحی انعطاف‌پذیر برای زندگی عشایری آینده، به بررسی یک امکان/نوع شناسی جدید مسکن در آینده می‌پردازد، زمانی که علم و فناوری از جمله مصالح ساختمانی و ماشین‌آلات توسعه یافته باشد. این به کاربران اجازه می‌دهد تا

فضای زندگی خود را شخصی‌سازی کنند و به افراد آزادی بیشتری برای انتخاب و طراحی فضای خود می‌دهد و در نتیجه کارایی و راحتی استفاده از فضا را بهبود می‌بخشد.

در سال ۱۴۰۱ پژوهشی با عنوان بررسی ساختار فضایی مسکن کوچ‌نشینان با قابلیت حمل و سازگاری با محیط، توسط پدram حصاری و سمیرا حافظی، انجام شد که این پژوهش به ساخت مسکنی منطبق با نیازهای این گروه پرداخته است. نتیجه این پژوهش این است که می‌بایست مسکن طایفه بروانلو از عشایر خراسان رضوی را به گونه ای طراحی نمود که در بیلاق دمای بالای صفر درجه تا دمای بالای ۴۰ درجه را تحمل کرده و در قشلاق با دمای زیر صفر درجه از حدود ۱۶/۹- درجه تا دمای ۳۳ درجه را تطبیق پذیرد.

در سال ۱۳۹۹ نیز مریم برزگر و همکاران، با هدف شناخت مؤلفه‌های شکل‌گیری مسکن پایدار عشایر به مطالعه ایل قشقایی پرداختند و در پژوهش خود با عنوان انعطاف‌پذیری مسکن عشایر، عامل پایداری معماری کوچ، به این نتایج دست یافتند که در واقع سیاه چادر، تمامی تعاریف و معانی خانه را داراست که با حداقل هزینه و با ظاهری ساده ولی کارایی بسیار بالا است که با وجود انعطاف‌پذیری در ابعاد زندگی و مسکن عشایر، می‌توان فاکتورهای مسکن پایدار را در آن یافت.

در سال ۱۳۹۸ علی اکبر حیدری با مطالعه عشایر بویراحمد در پژوهش خود تحت عنوان تحلیل شیوه زندگی عشایر و تاثیر آن در نظام سکونتگاهی آنها در طول مسیر کوچ و قرارگاه‌های تابستانه و زمستانه، به این نتیجه دست یافت که مکان‌یابی مناسب برای اسکان چند روزه در مسیر ایل راه، مهم‌ترین چالش در پیش‌روی کوچ‌نشینان به شمار می‌رود. به همین منظور استفاده از عوامل طبیعی جهت ایجاد شرایط مناسب برای اسکان چند روزه امری اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی ژرفانگر می‌باشد. به منظور گردآوری اطلاعات از دو روش اسنادی شامل مطالعه کتب، مقالات، پایان نامه‌ها... و پیمایشی شامل بازدید میدانی، مصاحبه و پرسشنامه استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

استان خراسان رضوی با مساحت ۱۱۸۸۵۴ کیلومتر مربع در شمال شرقی ایران واقع شده و ۷ درصد مساحت ایران را شامل می‌شود و پنجمین استان کشور بشمار می‌رود. این استان در شمال با استان خراسان شمالی، در غرب با استان سمنان، در جنوب با استان خراسان جنوبی و در شرق با کشورهای افغانستان و ترکمنستان دارای مرز مشترک است.



شکل ۱. نقشه موقعیت استان خراسان رضوی در ایران - محدوده سکونتگاه عشایر در استان خراسان رضوی

از جمع خانوارهای عشایری دوره بیلاقی ۷۷/۶٪ از سرپناه (چادر) و ۱۴/۴٪ از ساختمان و از جمع خانوارهای عشایری دوره قشلاقی ۱۸/۶٪ از سرپناه (چادر) و ۷۸/۵٪ از ساختمان برخوردارند.

آب و هوای استان متنوع و به طور کلی از نوع نیمه خشک تا خشک است. مهمترین عواملی که در تنوع آب و هوایی استان نقش موثر دارند عبارتند از: موقعیت جغرافیایی و وجود مناطق کویری و مرتفع. بعلاوه آب و هوای استان از چندین جبهه آب و هوایی متأثر می‌شود؛ که عبارتند از: گرم و مرطوب دریای مدیترانه از غرب، گرم و خشک از جنوب، سرد از شمال شرق، گرم و مرطوب از جنوب شرق (همایون، ۱۳۸۵: ص ۲۵). خراسان رضوی به لحاظ آب و هوایی در ناحیه معتدل شمالی قرار گرفته و از آب و هوای متغیری برخوردار است به طوری که هر مقدار از شمال به سمت جنوب می‌رویم با افزایش دما و کاهش میزان بارش سالیانه مواجه می‌شویم. قله "بینالود" با ارتفاع ۳۶۱۵ متر بلندترین نقطه و دشت "سرخس" با ارتفاع ۲۹۹ متر پست‌ترین نقطه این استان است.

یافته‌ها و بحث

بررسی ایلات و طوایف استان خراسان رضوی

بر اساس نتایج پایه اولین سرشماری ثبتی مبنایی عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۹۹، جمعیت عشایری خراسان رضوی در دوره قشلاقی پنج هزار و ۱۵ خانوار با جمعیت ۲۱ هزار و ۲۶۱ نفر و در دوره بیلاقی پنج هزار و ۷۷۴ خانوار با جمعیت ۲۴ هزار و ۲۳۴ نفر است. عشایر این استان همچنین با تعداد معادل ۹۰۰۰۰۰ واحد دامی به صورت کوچ‌رو- نیمه کوچ‌رو و رمه گردان در مناطق بیلاق و قشلاق امرار معاش می‌کنند که این میزان دام معادل ۱۰،۵٪ دام استان و معادل ۳،۸٪ دام سبک عشایر کشور می‌باشد متوسط دام سبک هر خانوار عشایر در کشور ۹۵ راس است که این مقدار در استان خراسان رضوی ۱۵۸ راس می‌باشد این ارقام بیانگر توان تولیدی بالا در جامعه عشایری خراسان رضوی می‌باشد. ایلات و طوایف عشایری خراسان رضوی شامل: بیگی، پاکبر، دیرانلو، بهلولی، دلاکه، براهویی، تاجیک، کلندرزهی، قاجکانلو، گل میشی، ابدوعی، آخوندی، جافکانلو، کیوانلو، روطانلو، سیفکانلو، کادانلو، باچوانلو، بادلانلو، کاونلو، پهلوانلو، قهرمانلو، تیموری، ناصری، لطیفی، طاهری، شورچاهی، ایلخانی، رشوانلو، بروانلو، بلوچ، خانزایی، ورنلو، ایزانلو و توپکانلو می‌شوند. تعدادی از عشایر استان خراسان رضوی در فصل قشلاق به چهار استان گلستان (مراوه تپه)، یزد، خراسان شمالی و خراسان جنوبی کوچ می‌کنند و در فصل بیلاق نیز این استان میزبان عشایر استان‌های سمنان و خراسان جنوبی می‌باشد. استان خراسان رضوی دارای ۵ زیست بوم (ایلخانی، کرد اترک شمالی، کرد اترک جنوبی، کرمانج شرقی و خواف) می‌باشد که در دو زیست بوم با خراسان شمالی (کرد اترک شمالی و کرد اترک جنوبی) مشترک می‌باشد این استان دارای ۷۳ سامانه عشایری شامل ۳۳۴ سامانه عرفی (محله عشایری) می‌باشد.

جدول ۲. آمار طوایف و عشایر شهرستان‌های خراسان رضوی

ردیف	شهرستان	خانوار	نفر	تعداد تعاونی	زیست بوم	تعداد طوایف	تعداد کانون
۱	بردسکن	۸۳۲	۳۸۹۵	۱	ایلخانی	۱۰	۸
۲	چناران	۴۸۳	۲۰۶۲	۱	کرمانج شرقی	۸	۱
۳	خلیل آباد	۸۹	۴۱۶	۰	ایلخانی	۴	۰
۴	خواف	۱۰۲۰۸	۵۶۵۳	۱	خواف	۶	۴
۵	خوشاب	۱۱۳	۵۳۰	۰	ایلخانی	۲	۰
۶	درگز	۶۲۶	۲۹۲۹	۱	کرد اترک شمالی	۹	۵
۷	سبزوار	۳۵۸	۱۶۷۳	۱	ایلخانی	۱۲	۹
۸	سرخس	۷۸۱	۳۶۵۷	۰	کرمانج شرقی	۷	۱
۹	قوچان	۶۷۱	۳۰۱۴۲	۱	کرد اترک شمالی و جنوبی	۱۰	۱
۱۰	کاشمر	۴۵۶	۲۰۱۳۳	۰	ایلخانی	۲	۲
۱۱	کلات	۳۵۹	۱۶۷۹	۰	کرمانج شرقی	۴	۳
۱۲	مشهد	۳۹۴	۱۸۴۳	۱	کرمانج شرقی	۶	۱
۱۳	نیشابور	۴۹۸	۲۰۳۳۸	۱	کرمانج شرقی	۵	۰
	جمع	۶۸۶۸	۳۲۰۱۵۰	۸	۵ زیست بوم با ۳۵ طائفه مشترک	۸۵	۳۵

منبع: اداره کل امور عشایر استان خراسان رضوی

جدول ۳. جمعیت عشایر تحت پوشش اداره کل امور عشایر خراسان رضوی

ردیف	شهرستان	خانوار	جمعیت نفر
۱	بردسکن	۱۰۷۴	۴۶۸۲
۲	چناران	۹۹۰	۴۵۹۸
۳	خلیل آباد	۱۴۰	۶۳۰
۴	خواف	۱۰۸۷	۵۳۱۸
۵	درگز	۵۶۷	۲۶۸۲
۶	سبزوار	۵۰۶	۲۲۹۱
۷	سرخس	۳۱۵	۱۳۷۱
۸	قوچان	۷۴۸	۳۷۳۳
۹	کاشمر	۱۷۰	۷۵۶
۱۰	کلات	۲۷۰	۱۱۷۸
۱۱	مشهد	۲۷۳	۱۱۹۲
۱۲	نیشابور	۳۳۲	۱۸۶۴
	جمع کل	۶۴۷۲	۳۰۲۹۵

منبع: اداره کل امور عشایر استان خراسان رضوی

بیلاق و قشلاق ایلات در خراسان رضوی

جدول ۴. محل بیلاق طوایف خراسان رضوی

نام طایفه	محل بیلاق
طایفه های بروانلو، رشوانلو و بخشی از توپکانلو	رشته کوه هزارمسجد
طایفه ورنلو و توپکانلو	رشته کوه بینالود (کوه اخلمد و کوه کلیدر)
طایفه روطانلو و بخشی از طایفه توپکانلو	رشته کوه محمد بیک (حدفاصل کوه کلیدر به طرف غرب استان)
طایفه قهرمانلو و کاوانلو	رشته کوه سارنیگل در قسمت جنوب شهرستان شیروان
طایفه بروانلو و کبکانلو	رشته کوه آلاداغ
طایفه های کاوانلو، قهرمانلو، ایزانلو، نامانلو و باچوانلو	رشته کوه فاطمه خانم و سنجریک

منبع: اداره کل امور عشایر استان خراسان رضوی

جدول ۵. محل قشلاق طوایف خراسان رضوی

نام طایفه	محل قشلاق
طایفه ورنلو	محدوده مزدوران جاده ی سرخس
طایفه بروانلو و رشوانلو	جنوب غربی سرخس، مراتع چشمه شور، آب تلخ، طاعون دره، کال کاغذی و مراتع شکرخانگیران
طایفه توپکانلو	محدوده نیشابور، نظرآباد روستای گرانه - صفی آباد و میان دشت اسفراین - محدوده کاشمر

منبع: اداره کل امور عشایر استان خراسان رضوی

بررسی مسکن عشایر خراسان رضوی در بیلاق و قشلاق

در فصل تابستان به دلیل گرمای هوا ضلع طولی چادر به عنوان ورودی باز بوده و لت (بافته از بوی بز) در آن قسمت قرار گرفته نمی‌شود و دیرک های دور به صورت صاف و عمود قرار می‌گیرند در نتیجه سقف چادر شیب پیدا نمی‌کند چادر به عنوان یک سالن مکعب مستطیل شکل

دیده می‌شود و هوا به راحتی در آن جریان دارد و گرمای زیادی احساس نمی‌شود گرچه رنگ تیره آن موجب جذب تشعشعات خورشید می‌شود ولی ارتفاع دیرک‌ها موجب گردش هوا در محیط شده و این کمکی در تعدیل دماست؛ البته در چادرهایی هم دیده شده که دیرک‌ها را کمی مایل قرار می‌دهند تا در صورت وزش بادهای شدید استحکام بیشتری داشته باشند.

در فصل زمستان برای مقابله با سرما و باد و طوفان تغییراتی در نحوه برپایی چادر به وجود می‌آورند. دورتادور چادر را لت می‌کشند تا به زمین برسد و فقط درب کوچکی در ضلع عرضی چادری گذارند. از وسط سقف در جهت طول دیرک‌هایی وصل می‌کنند به نام تیرهای حمال که روی دیرک‌های پایه قرار می‌گیرند و سقف چادر به صورت شیروانی شیب‌دار می‌شود و شیب از وسط به دو طرف تقسیم شود. دیرک‌های دور چادر را به صورت ضربدر کار می‌گذارند تا شیب سقف درست شود. پایه‌ها را کوتاه می‌کنند تا ارتفاع آن کم باشد و گاهی اطراف آن را سنگ چین کرده و به وسیله آلاچیق از ورود هوای سرد جلوگیری می‌کنند (حساس؛ ۱۳۹۵؛ ۱۰۵).

عناصر فضا‌ساز در سیاه چادر

هر سیاه چادر جای وسایل به خصوصی است، تا جایی که برخی از آنها عناصر فضا ساز داخل چادرها به شمار می‌روند. در ضلع بلند چادر روبروی ورودی دیواری از سنگ ساخته می‌شود که روی آن با هنرهای دستی عشایر مفروش می‌شود. بلندی این دیوار سنگی از سطح زمین به حدود ۷۰ سانتی‌متر می‌رسد و طول آن برابر با چادر و قطر آن در اندازه‌های متفاوت بین ۴۰ تا ۵۰ سانتی‌متر است. موارد استفاده از این دیوار به شرح زیر است:

الف) **تکیه‌گاه:** به علت سستی بدنه چادر افراد برای استراحت با قرار دادن رختخواب و یا پشتی، متکا و بالش در جلوی دیوار، به آن تکیه می‌دهند که در جای خود عنصری جدا کننده در فضا هم محسوب می‌شود.

ب) **طاقچه:** روی آن لوازم و اثاث و خرده ریز خانواده از قبیل ظروف، فانوس و جعبه هزار پیشه قرار می‌دهند.

ج) **سکو:** نوعی بلندی که برای قرار دادن اسباب مورد استفاده قرار می‌گیرد و روی این مجموعه را با گلیم‌های خوش نقش و نگار دست بافت خودشان می‌پوشانند. هر تازه واردی که به چادر قدم می‌گذارد، در بدو ورود خود در قسمت بالای چادر از دیدن آن همه رنگ و زیبایی شاد می‌شود.

د) **اجاق:** از دیگر عناصر فضا ساز در درون سیاه چادر می‌توان به اجاق اشاره نمود که یا در درون چادر برای بیشتر در مواقع سرد سال و در قشلاق استفاده می‌گردد (زیرا بوسیله آفرودختن اجاق هم فضای داخل چادر گرم می‌گردد و هم غذای خانوار روی آن طبخ می‌شود) و یا در بیرون چادر مخصوصا در مناطق گرمسیر، اما آنچه مهم‌تر از کارکرد ظاهری این اجاق می‌باشد، این است که این اجاق به عنوان یک عنصر فضا ساز در درون یا بیرون چادر توانسته است ذهنیتی از یک آشپزخانه را عینیت ببخشد بدون اینکه دیوار یا نشانه ظاهری از یک آشپز وجود داشته باشد (راستین و همکار، ۱۳۹۲).

جدول ۶. ریز فضاهای چادر بیلاقی و قشلاقی

ریز فضاهای چادر قشلاقی	ریز فضاهای چادر بیلاقی
اجاق	اجاق
فضای مرکزی	فضای مرکزی
نشیمن و استراحت	نشیمن و استراحت
لوازم خانه و رختخواب	لوازم خانه و رختخواب
تهیه مواد غذایی	تهیه مواد غذایی
	نگهداری مواد غذایی
استراحت و خواب	نگهداری نوزاد
	فعالیت‌های زن ایل

تقسیم‌بندی کلی چادر عشایر کرمانج (خراسان رضوی)

عشایر معمولاً برای استفاده از فضای داخلی چادرهایشان آداب و رسومی دارند که معمولاً به سلیقه افراد و نیاز آنها بستگی دارد. آنها به طور معمول چادر را به سه قسمت تقسیم می‌کنند یا با پرده از هم جدا می‌کنند:

۱- قسمت عقب چادر که معمولاً محل نگهداری رخت‌ها و وسایل زندگی است و زنان و بچه‌ها برای ایمنی از دید غریبه و آزادی در نشست و برخاست و خواب در آنجا به سر می‌برند.

۲- قسمت وسط که محل استفاده عمومی و اجاق چادر در آنجا قرار دارد و مهمان‌ها و فامیل می‌توانند در آن قسمت حضور یافته و آزادانه رفت و آمد کنند.

۳- قسمت جلوی چادر که محل نگهداری پوست‌های ماست و ظرف و ظروف و آب مصرفی و بره‌های کوچک و ناتوان و مانند آنها است. (اداره امور عشایر استان خراسان رضوی)

یکی از مصادیق تطبیق‌پذیری در مسکن عشایر را می‌توان در تفاوت‌های چادر بیلاقی و قشلاقی یافت که با توجه به تغییرات اقلیمی انجام می‌گیرد. در جدول زیر به عمده تفاوت‌های دیگر اشاره می‌گردد.

جدول ۷. تفاوت سیاه چادر بیلاقی و قشلاقی عشایر خراسان رضوی

ردیف	سیاه چادر بیلاقی	سیاه چادر قشلاقی
۱	ورود از ضلع بزرگتر	ورود از ضلع کوچکتر یا گوشه یک ضلع
۲	اجاق اصلی خارج از چادر	اجاق اصلی داخل چادر، در وسط یا ورودی چادر
۳	بالا بردن لبه‌های چادر برای انتقال جریان یافتن هوا	پایین آوردن لبه‌های چادر تا روی حصار اطراف سیاه چادر، برای جلوگیری از نفوذ هوای سرد
۴	دارای فضای فعالیت برای زن ایل	
۵	لزوم ایجاد فضایی برای نگهداری لبنیات، با توجه به هوای گرم	دارای فضای محصور برای خواب و استراحت
۶	دارای فضای نگهداری نوزاد (در صورت نیاز)	

در تحلیل ابعاد انعطاف‌پذیری مسکن عشایر خراسان رضوی با وجود استفاده عشایر از مصالح بومی جهت ساخت مسکن، تغییرات نوع اسکان در منطقه بیلاق و قشلاق، تغییر ابعاد چادر با توجه به تعداد ساکنین، استفاده چند منظوره از فضاها در زمان مقتضی، تغییر محل اجاق، تغییر ابعاد و محل بازشوها و می‌توان به این مهم دست یافت که، مسکن عشایر دارای سه شرط انعطاف‌پذیری یعنی تغییرپذیری، تطبیق‌پذیری و تنوع-پذیری می‌باشد.

نتیجه‌گیری

مسکن عنصری که هم به نیازهای انسان پاسخ می‌دهد و هم یک پدیده اجتماعی است که انتظام و نو آن از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی تأثیر می‌پذیرد که هدف آن انطباق با روش زندگی انسان و محیط پیرامون آن می‌باشد. مسکن به زمینه و بستر و کاربر آن وابسته است و انعطاف‌پذیری ابزاری جهت تطابق نیازهای کاربران در طول زمان می‌باشد که نمود آن در کالبد، محیط و اجتماع فضای مسکونی بروز پیدا می‌کند. در این پژوهش با بررسی شیوه زندگی و مسکن در الگوی سکونت عشایر به جلوه‌های انعطاف‌پذیری در این سکونت پرداخته شد. مسکنی که سازمان فضایی و نحوه استقرار و ساخت آن بیانگر کیفیت استفاده از محیط، تأثیر اقتصاد، سنت‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه عشایری است. افزایش رابطه عشایر با نواحی شهری و مظاهر آن به خصوص شهر مشهد (خرید خانه و اسکان موقت در فصل زمستان)، جذب جمعیت به کانون‌های عشایری را با مشکل مواجه می‌نماید. آنچه مسلم است عشایر زمانی تمایل به استقرار در جای اصلی خود را خواهند داشت، که شرایط بهتری نسبت به زندگی شهری در کانون‌ها فراهم شود.

طرح ساخت مسکن عشایر، ابعاد تناسبات مقیاس و انطباق با شرایط بیرونی واحد مسکونی از میزان تأثیر و تقویت روابط انسانی با امکانات و شرایط محیط طبیعی و الزاماتی حکایت دارد که به صورت تجربی و در طول زمان به صورت اصول معیارها و کمیت‌هایی در ساختار فضایی

مسکن بروز یافته است. مسکنی که در طول زمان پاسخگوی نیاز ساکنان می‌باشد. این که فضای خانه با تجمع و گرد هم آوردن عملکردهای مختلف آن در یک فضا، می‌تواند چند عملکردی باشد، انعطاف‌پذیر و سازگاری حداکثری با محیط را پدید می‌آورد. برای حفظ حیات کوچ‌نشینی و تداوم این نوع زندگی باید امکانات لازم جهت ادامه حیات کوچ‌نشینی را برای آن‌ها آماده ساخت.

منابع

- اقبال، سیدرحمان، و حصاری، پدram. (۱۳۹۲). رویکرد مدولار و پیش ساختگی در مسکن انعطاف‌پذیر. مسکن و محیط روستا، ۳۲(۱۴۳)، ۵۳-۶۸.
- رزگر، مریم، مهدی نژاد، سید جمال الدین، & حیدری، علی‌اکبر. (۱۳۹۹). انعطاف‌پذیری مسکن عشایر، عامل پایداری معماری کوچ (مطالعه موردی ایل قشقایی). مطالعات هنر اسلامی، ۱۷(۴۰)، ۷۲-۹۰. doi: 10.22034/ias.2020.234186.1259
- بریمانی، فرامرز و دیگران. (۱۳۹۶). شناسایی پتانسیل و مکان یابی کانون برای عشایر شمال سیستان مستقر در جنوب خراسان عشایر زیست بوم هامون نهبندان، (پژوهشکده علوم زمین و جغرافیا وابسته به دانشگاه - سیستان و بلوچستان) پژوهشهای جغرافیای انسانی، دوره ۹۴. شماره ۹. زمستان ۱۳۹۶
- حساس، نجمه. (۱۳۹۵). از خانه تا سیاه‌خانه جایگاه معماری در سیاه چادر کوچ نشینان. (ماهنامه شیاک) مطالعات هنر و معماری، سال دوم، ش ۴ و ۵. جلد ۴ حصاری، پدram، حافظی، سمیرا. (۱۴۰۱). بررسی ساختار فضایی مسکن کوچ نشینان با قابلیت حمل و سازگاری با محیط، دوفصلنامه (نشریه) علمی مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان. جلد ۲، شماره ۲، شماره مسلسل ۴
- ضرغامی، اسماعیل. (۱۳۹۵). مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۵
- کیانی، عزت‌الله، جمال منش، آرش، ظهوری، سیداحسان. (۱۴۰۱). بررسی پیامدهای فرهنگی و مدیریتی در زندگی عشایر ایران. نشریه علمی مطالعات ایلات و عشایر. دوره ۱۲، شماره ۲
- مجیدی، رومینا، تاج، شهره. میرریاحی سعید. (۱۴۰۰). تحلیل تاثیر عوامل طبیعی در اجزا مسکن روستایی نمونه موردی روستای کنگ، شهرستان شانندیز خراسان رضوی. دوفصلنامه مهندس جغرافیایی سرزمین. دوره پنجم شماره ۹.
- همایون، غلامرضا (۱۳۸۵). عشایر کانون در میان بام. از سری گزارشات آرشیو شده در سازمان امور عشایر خراسان رضوی.
- سازمان امور عشایر ایران.
- اداره کل امور عشایر استان خراسان رضوی.

- Trisno, R., Husin, D. & Lianto, F. (2023). Reconceptualising nomadic architecture: from the body to the space creation. City Territ Archit 10, 1. <https://doi.org/10.1186/s40410-022-00191-0>
- Zhao, Z. (2023, May 31). Flexible Design for Future Nomadic Living [G]. doi:http://dx.doi.org/10.14288/1.0432039 <https://ashaier-kh.ir/> <https://www.ashayer.ir/>